

بررسی نقش و کارکرد انقلاب اسلامی ایران در فرآیند

تحقق تمدن نوین اسلامی

عباس کشاورز شکری^۱، مهدیه رهنمای^۲ و زیبا عابدی^۳

^۱ دانشیار علوم سیاسی دانشگاه شاهد،

^۲ کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد

^۳ کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد

*Email: abbaskeshavarz1@yahoo.com

چکیده

هدف از نگارش مقاله حاضر شناخت نقش و کارکرد انقلاب اسلامی ایران در فرآیند تحقق تمدن نوین اسلامی است. عبارت تمدن‌سازی نوین که توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی مطرح شده است در واقع همان احیای تمدن اسلامی است که با پیروزی انقلاب اسلامی نگاه‌ها به آن معطوف شده است. تمدن نوین اسلامی احیای عزت و کرامت انسان مسلمان در کنار برخورداری از دستاوردهای علمی و تکنولوژیکی است که می‌تواند نویدبخش ایجاد تمدنی نمونه باشد. با توجه به اینکه در صورت تحقق تمدن اسلامی تمام نیازهای مادی و معنوی انسان و جامعه‌ی انسانی لحاظ می‌شود و در چنین جامعه‌ای استعدادهای بالقوه‌ی انسان‌ها فعلیت می‌یابد، بررسی فرآیند تحقق تمدن اسلامی ضروری به نظر می‌رسد. روش تحقیق کیفی، از نوع توصیفی-تحلیلی، و ابزار گردآوری اطلاعات، فیش‌برداری است. پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این سوال است که نقش و کارکرد انقلاب اسلامی ایران در فرآیند تحقق تمدن نوین اسلامی چگونه است. برای این منظور عوامل اعتلا و انحطاط تمدن‌ها از منظر قرآن کریم استخراج شده است. این عوامل عبارتند از عدالت و بی‌عدالتی، اتحاد و تفرق، اجرا یا ترک امر به معروف و نهی از منکر، فسق و فجور و رعایت اخلاق. بر طبق یافته‌های پژوهش انقلاب اسلامی ایران با زنده کردن عدالت، ایجاد اتحاد، احیای امر به معروف و نهی از منکر و همچنین اشاعه‌ی اخلاق دینی توانست زمینه‌های اعتلای تمدن نوین اسلامی را فراهم آورد.

کلید واژه‌ها: تمدن نوین اسلامی، انقلاب اسلامی و تمدن نوین اسلامی، کارکرد انقلاب اسلامی.

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران از آغاز با تأکید بر رشد و شکوفایی فردی و اجتماعی در سایه‌ی آموزه‌های اسلامی پا گرفت و استقرار جمهوری اسلامی نویدبخش تحقق تمدنی نوین بود. سرزمین ایران در طول تاریخ بارها مهد تمدن و الگوی سایر ملل در راه دستیابی به تکامل مادی و معنوی بوده و اسلام سابقه درخشان تمدن‌سازی را تجربه کرده است. تمدن برخاسته از اسلام چیزی نیست که انکارپذیر باشد. اگر اسلام تمدن حقیقی و عالی با رنگ و بوی مخصوص مبنی بر کتاب و سنت اسلام نداشت، هرگز علمای تمدن غرب حتی آن‌ها که به حمله و هجوم بر اسلام معروف هستند، مکرر نام تمدن اسلام را نمی‌بردند و تاریخ آن را شرح نمی‌دادند و آن را با سایر تمدن‌های عالم نمی‌سنجیدند. این تمدن از تمدن‌های مشهوری است که تاریخ عمومی دنیا با آن زینت یافته و با آثار درخشان خود تا ابد تاریخ را پر کرده است [۱].

تمدن اسلامی پس از اینکه برای مدتی در اوج قدرت و شکوفایی قرار داشت، دوره‌ای طولانی از رکود را نیز تجربه کرد. برای حفظ این میراث عظیم الهی لازم است مسلمانان مجدداً آن را احیا کنند. انقلاب اسلامی ایران یکی از مهم‌ترین فعالیت‌ها در عرصه‌ی احیای تمدن اسلامی به شمار می‌رود. انقلاب ایران با پیروزی خود ارزش‌ها و اعتقاداتی را زنده کرد که می‌تواند از عوامل اعتلای تمدن اسلامی باشد و به تمدن‌سازی نوین کمک کند. عناصر لازم و ارکان هویت‌بخش یک جامعه‌ی پیشرفته و متمدن در فرهنگ مادی و سکولار و غیرالهی، بر حسب مبنای متافیزیکی آن، پیشرفت در علم و فناوری، سلطه بر طبیعت، اقتدار اجتماعی سیاسی و اقتصادی و مانند آن به منظور تأمین رفاه و آسایش همگان است. اما پیشرفت مقبول و تمدن مطلوب جامعه بر مبنای نگرش توحیدی در صورتی محقق است که افزون بر عناصر فوق ارزش‌های اساسی دیگری در آن جامعه جریان داشته، زمینه‌ی سعادت آحاد آن فراهم‌اید [۲].

این مقاله قصد دارد به بررسی نقش پیروزی انقلاب اسلامی در اعتلای تمدن نوین اسلامی بپردازد. فرضیه‌ی پژوهش حاضر این است که انقلاب اسلامی با احیای عوامل اعتلای تمدن اسلامی نقش مؤثری در فرایند تحقق تمدن نوین اسلامی ایفا کرد. در واقع این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به این سؤال است که نقش و کارکرد انقلاب اسلامی ایران در فرآیند تحقق تمدن نوین اسلامی چیست؟

مبانی نظری

تعریف مفاهیم

تمدن: تمدن در نگاه دانشمندان علوم اجتماعی، تعاریف گوناگونی دارد. برخی آن را مترادف با فرهنگ یا شکلی پیشرفته‌تر از آن می‌دانند. وجود سازمان و نظم اجتماعی و پیشرفت مادی و معنوی در جامعه، نقطه مشترک بسیاری از دیدگاه‌های دانشمندان علوم اجتماعی در زمینه‌ی بیان مفهوم تمدن است [۳]. به باور برخی فیلسوفان اسلامی معاصر، تمدن به معنای تشکل هماهنگ انسان‌ها در حیات معقول به همراه روابط عادلانه و اشتراک‌همه‌ی افراد و گروه‌ها در پیشبرد اهداف مادی و معنوی و دیگر ابعاد مثبت است [۴].

تمدن نوین اسلامی: تمدن نوین اسلامی احیای عزت و کرامت انسان مسلمان در کنار برخورداری از دستاوردهای علمی و

تکنولوژیکی است که می‌تواند نویدبخش ایجاد تمدنی نمونه باشد. در واقع این تمدن ضمن پاسخ‌گویی به نیازهای طبیعی و مادی انسان‌ها، بُعد معنوی و روحی آن‌ها را به سمت کمال و سعادت راهنمایی می‌کند. این ساختار مطلوب که ریشه در برنامه‌های انسان‌ساز اسلامی دارد، نه تنها بعد مادی و سخت‌افزاری تمدن را نفی نمی‌کند بلکه به آن جهت هم می‌دهد. عدالت: عدالت اقامه‌ی مساوات و موازنه‌ی میان امور است به اینکه به هر امری آنچه که سزاوار آن است، داده شود. در نتیجه همه‌ی امور در جایگاهی که شایسته‌ی آن است، قرار گیرد [۵].

امر به معروف و نهی از منکر: از احکام عملی مسلمانان و به نظر شیعیان از فروع دین اسلام است. امر به معروف یعنی دستور دادن یا توصیه کردن از سوی فرد مسلمان به دیگران به انجام آنچه از نظر عقل یا شرع اسلام خوب در نظر گرفته می‌شود. نهی از منکر یعنی دستور دادن یا توصیه کردن از سوی فرد مسلمان به دیگران به انجام ندادن آنچه به از نظر عقل یا شرع اسلام بد در نظر گرفته می‌شود.

وحدت: وحدت به معنای گرد آمدن صاحبان سلیقه‌ها و روش‌های گوناگون بر گرد محورهای اصولی است. اخلاق دینی: اخلاق در میان اندیشمندان اسلامی عبارت است از صفات نفسانی راسخ و پایداری که موجب می‌شوند افعالی متناسب با آن صفات به سهولت و بدون نیاز به تأمل از آدمی صادر شود. چنانچه این رفتارها برگرفته و متناسب با دین و مذهب باشند، اخلاق دینی نام می‌گیرند.

چارچوب نظری پژوهش

پیش از ظهور اسلام، هیچ تمدنی میان مردم سرزمین حجاز وجود نداشت و اعراب به سبب دوری از اجتماع، انسان‌هایی خشن، بی‌عاطفه و دور از فرهنگ و دانش اجتماعی بودند. اسلام با آموزه‌های ناب آسمانی برنامه‌ای استوار و همسو با خواست‌های فطری بشر به ارمغان آورد و برای تعالی و پیشرفت فرد و جامعه در حوزه‌های معرفتی و عقیدتی، اخلاقی و فرهنگی، اقتصادی، صنعتی، سیاسی و نظامی احکام و تعالیمی را بیان نمود که زمینه پیدایش جامعه‌ای نو، موسوم به جامعه‌ی اسلامی فراهم شد. این جامعه‌ی نوپا به رغم محرومیت از مدیریت مطلوب اسلامی، به میزان بهره‌مندی و پای‌بندی به تعالیم اسلامی شبیحی از پیشرفت و تمدن اسلامی را به ظهور رساند [۶].

قرآن کریم همه‌ی مفاهیم، عناوین و مسائل نوپدید حیات آدمی را که به تدریج در طول زندگی زمینی‌اش زاده و مقوله‌بندی می‌شود، با همان نام و عنوان بیان نکرده و این انتظار از یک کتاب جاودانی نارواست. بنابراین باید در پی استخراج رویکرد قرآن کریم در مسایل و مفاهیم تازه‌ای مانند تمدن، پیشرفت و علل انحطاط و اعتلای تمدن‌های مختلف بود. قرآن کریم به طور کلی عوامل اعتلا و انحطاط در همه‌ی زمینه‌ها از جمله در زمینه‌ی تمدن‌ها را در موارد زیر دسته‌بندی می‌کند:

عدالت و بی‌عدالتی

در آموزه‌های اسلامی، عدالت اهمیت به سزایی در دوام، پایداری، رشد و پویایی جامعه دارد، به گونه‌ای که فقدان عدل و داد سبب زوال و افول جامعه به شمار می‌آید. به عنوان نمونه خداوند در آیه‌ی ۱۱ سوره‌ی انبیاء می‌فرماید: «وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ

كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ».

«چه بسیار شهرها و آبادی‌های ظالم و ستمگری را در هم شکستیم» بدیهی است که آیه اشاره به این مسئله دارد که مظلالم اجتماعی، جامعه را از بیخ و بن بر می‌کند».

همچنین در حدیث ارزشمندی از پیامبر اکرم نقل شده است که فرمودند: «خدای والا امتی را که حق ضعیفان را پایمال می‌کند، سعادت‌مند نمی‌سازد» [۷].

پس جامعه‌ی متمدن اسلامی، آن است که در اجرای عدالت و تامین حقوق همه‌ی مردم بر اساس شایستگی‌های آن‌ها بکوشد. بر این اساس بهره‌مندی از نظام به پادارنده‌ی عدل و قسط در جامعه و پرهیز از ظلم و ستم به افراد جامعه، از معیارهای جامعه و تمدن اسلامی است و عوامل رشد و شکوفایی جامعه به شمار می‌رود.

اتحاد و تفرقه

زندگی اجتماعی از تعارضات و کشمکش‌ها و منازعات ایمن نیست. جامعه‌ی برخوردار از امکانات مادی، پیوسته در معرض طمع دشمنان بیرونی قرار دارد. در این میان، جامعه‌ای می‌تواند پایدار بماند که اعضا و افراد آن وحدت و انسجام کافی داشته و برای دستیابی به مقاصد والای مادی و معنوی خود، یار و یاور همدیگر باشند [۸].

خداوند در آیه‌ی ۱۰۳ سوره‌ی آل‌عمران می‌فرماید:

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءَ فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُم بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ».

«و همگی به ریسمان خدا چنگ زبید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید آنگاه که دشمنان [یکدیگر] بودید پس میان دلهای شما الفت انداخت تا به لطف او برادران هم شدید و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رهانید این‌گونه خداوند نشانه‌های خود را برای شما روشن می‌کند باشد که شما راه یابید».

بر این پایه قرآن کریم مسلمانان را به چنگ زدن به ریسمان الهی فراخوانده و آنان را از تفرقه و چند دستگی پرهیز می‌دهد. قرآن در برخی آیات مومنان را برادر یکدیگر می‌خواند که باید در ایجاد آشتی و صلح و دوستی در میان خود بکوشند.

خداوند در آیه ۴۶ سوره‌ی انفال، تفرقه و نزاع را عامل نابودی برشمرده شده است. «...وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ...» «با یکدیگر نزاع نکنید که نزاع داخلی سستی می‌آورد و سستی شما را زایل می‌کند».

لذا اعتلا، اقتدار، سعادت و پیشرفت هر جامعه‌ای در سایه‌ی اتحاد و انسجام افراد آن به دست می‌آید و در نقطه‌ی مقابل، اختلاف و چند دستگی، اسباب عقب‌ماندگی و در نهایت، نابودی و انحطاط جامعه است.

اجرا یا ترک امر به معروف و نهی از منکر

تمام احکام و دستورهای الهی واجب‌الاجرا و در نهایت امر، برای سعادت دنیوی و اخروی افراد و نیز برای ترقی و تکامل جوامع انسانی است. لذا در صورتی که به اوامر الهی عمل شود، برکات الهی شامل حال آن جامعه و مردم آن می‌شود. اما در صورتی که به آنها بی‌توجهی شود یا دستورهای الهی و انبیا و رسل او تکذیب شود، عذاب الهی در قالب‌های مختلف بر آن

جامعه نازل می‌شود و فرهنگ و تمدن آن را به انحطاط و اضمحلال می‌کشاند. در صورتی که امر و نهی الهی و نیز قوانین الهی، که از طریق پیامبران و برای جوامع انسانی نازل شده است، در جامعه‌ای به اجرا درآید، آن جامعه و مردم آن، روی خوشی و سعادت را خواهند دید، اما در صورتی که به آن‌ها عمل نشود یا امر و نهی صورت نگیرد، سیر فرهنگ و تمدن آن جامعه در نهایت به کشمکش و تضاد بین آحاد جامعه سوق داده می‌شود و بر این اساس، طبق سنت جاریه‌ی الهی، آن جامعه دچار انحطاط و سقوط می‌شود و نابود خواهد شد.

قانون امر به معروف و نهی از منکر در اسلام برای پاک‌سازی محیط انسانی و به عنوان نظارت همگانی تشریح شده است. شخص مسلمان در هر صورت و در هر مکان و زمانی، دارای مسئولیت است و نمی‌تواند در مقابل تباهی‌ها و فسادها ساکت و بی‌تفاوت باشد. قرآن کریم درباره ضرورت امر به معروف و نهی از منکر بسیار سخن گفته است. از یکی از آیات صریحا استنباط می‌شود که ترک این فریضه بزرگ در هلاکت و انهدام یک قوم مؤثر است و آن آیه ۷۹ سوره مائده است که یکی از علل دور افتادن کافران ترک نهی از منکر ذکر کرده است:

« کَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مَنكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ». « یکدیگر را از ارتکاب منکرات نهی نمی‌کردند و چه بد می‌کردند ».

فسق و فجور یا رعایت اخلاق

اخلاق در زندگی آدمی و به عنوان یکی از پایه‌های تشکیل‌دهنده‌ی امت واحده‌ی اسلامی نه فقط نقش کلیدی و مهم که نقشی حیاتی دارد. در این زمینه نیز به آیاتی اشاره می‌شود.

فسادی را که خداوند عامل هلاکت و نابودی ملت‌ها می‌داند هم فساد رهبران و ثروتمندان جامعه را در برمی‌گیرد و هم فساد در میان مردم عادی را شامل می‌شود. به عنوان نمونه خداوند در آیه ۱۶ سوره‌ی اسرا در مورد فساد رهبران و بزرگان می‌فرماید: « وَ إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا »

« چون نابودی دیاری را اراده کنیم به بزرگان و ثروتمندانش فرمان دهیم و چون به فسق و فساد برخاستند، آنگاه عذاب بر آنها واجب گردد و ایشان را به کلی نابود گردانیم ».

و اما در مورد گسترش فساد در جامعه، خداوند افراد را نسبت به عاقبت کارهایشان و درس گرفتن از گذشتگان انداز می‌دهد مثلا در آیات ۴۱ و ۴۲ سوره‌ی روم می‌فرماید:

« ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ * قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ كَانُوا أَكْثَرَهُمْ مُشْرِكِينَ ».

« به سبب اعمال مردم، در خشکی و دریا فساد، آشکار شد تا جزای بخشی از اعمالی را که انجام داده‌اند به آنها بچشانند، شاید باز گردند * بگو: در زمین بگردید تا ببینید عاقبت گذشتگان که بیشترشان مشرک بودند چگونه بود ».

بنابراین علل انحطاط جوامع و نابودی تمدن‌ها، از درون همان جوامع و تمدن‌ها بر می‌خیزد و امری است که ناشی از اراده و اختیار افراد آن جوامع است و امری حتمی و لایتغیر الهی نیست که هر جامعه‌ای در نهایت به انحطاط و نابودی بیانجامد. بلکه

علل و عوامل از درون جامعه و تمدن، برمی‌خیزد و پس از آن، هلاکت و نابودی آن جامعه و تمدن، حتمی می‌شود. در مجموع می‌توان گفت اعتلای جوامع و رشد تمدن‌ها از نظر قرآن در گرو برپایی عدالت، وجود اتحاد، برقراری فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر و ترویج اخلاق اسلامی است. کشور ایران به عنوان یکی از اولین کشورهایی که پس از ظهور اسلام به این دین گرایید، به جز دوره‌ای محدود، همواره تحت تسلط حکومت‌های فاسد و جائز بود. در عصر حاضر حکومت پهلوی علیرغم تظاهر به دینداری عملاً بسیاری از موازین اسلامی را تعطیل نموده و در واقع از اسلام جز نامی باقی نمانده بود. در سال ۱۳۵۷ امام خمینی (ره) به منظور احیای تمدن اسلامی در کشور با یاری و همدلی مردم دست به مبارزه زد و توانست منشأ احیای دین و تمدن اسلامی در جامعه گردد. منظور از احیای دین زنده کردن دین و توان مجدد دادن به آن است. بدین معنا که به دین یا ارزشهای دینی که حیات خود را از دست داده و نیرو و توانی برایشان باقی نمانده بود، حیات و توان مجدد بخشید. انقلاب ایران، که از نادرترین انقلاب‌های جهان، چه در شکل و چه در اهداف محسوب می‌شود، پیش از هر چیز یک انقلاب اسلامی است. به تعبیر دیگر، طلوع مجدد مکتبی است که بعد از چهارده قرن از پس دعوت پیامبر گرامی اسلام (ص) در این مرز و بوم به وقوع پیوست.

روش شناسی

بر اساس ماهیت و روش پژوهش حاضر کیفی و از نوع توصیفی و تحلیلی است. با توجه به اینکه در تحقیقات توصیفی محقق به دنبال چگونه بودن موضوع است، در این جا بعد از شناخت عوامل اعتلا و انحطاط تمدن‌ها در پی نقش انقلاب اسلامی در احیای این عوامل و در نتیجه ایجاد تمدن‌سازی نوین هستیم. برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات تحقیق از منابعی نظیر کتاب، مقاله، پایان‌نامه و سایت‌های الکترونیکی استفاده شده و ابزار گردآوری اطلاعات مطالعه و فیش‌برداری است. این پژوهش از آنجایی که به صورت کیفی انجام می‌گیرد فاقد نمونه مطالعاتی است و آثاری که محتوای آنها مربوط به موضوع پژوهش است مورد مطالعه قرار گرفته است. منظور از روایی این است که مقیاس و محتوای ابزار یا سؤالات مندرج در ابزار دقیقاً متغیرها و موضوع مورد مطالعه را بسنجند و عین واقعیت را به خوبی نشان دهد. با توجه به مطالعه دقیق کتب مربوط به پژوهش و فیش‌برداری از آنها روایی تحقیق محقق شده است.

یافته‌ها

انقلاب اسلامی و اقامه‌ی عدالت

عدل، یکی از اصول مذهب شیعه، از شرایط مهم برای ولایت و مرجعیت، و نیز از اهداف مهم انقلاب اسلامی ایران است. بنابراین نباید اندیشه‌ی عدالت و عدالت‌خواهی در سیر تکوین انقلاب اسلامی را بی‌توجه به ژرفای اعتقادی و فکری آن در نظر گرفت. عدالت‌خواهی و پرهیز از بیدادگری همیشه در زمره‌ی نیازهای فطری بشر قرار داشته است. قرآن کریم هدف از تشریح دین، ارسال رسل، نزول کتاب و میزان را تحقق عدالت بیان می‌کند. خداوند در آیه‌ی ۲۵ سوره‌ی حدید می‌فرماید: «ما پیامبران

خویش را با آیات آشکار فرستادیم و با ایشان کتاب و میزان فرود آوردیم، تا مردمان عدالت را بر پای دارند.»
 در پیش متعالی اسلام، حکومت هرگز به خودی خود شأن و منزلتی ندارد مگر آنکه در پی تأمین ارزش‌های الهی و اجتماعی برای نوع بشر باشد. در این تفکر فقط احیا و اجرای حق، به مفهوم واقعی خود و سرکوب کردن باطل، جایگاه واقعی حکومت را مشخص می‌سازد. برقراری عدالت اجتماعی در همه ابعاد آن یکی از اصول مهم و با اهمیتی است که حضرت علی (ع) در حکومت اسلامی هم در تئوری و هم در عمل به آن توجه داشته است. با توجه به ایدئولوژی اسلامی - شیعی انقلاب اسلامی در اینجا مؤلفه‌های مورد نظر حضرت علی (ع) جهت اجرای عدالت در یک حکومت اسلامی آورده می‌شوند. سپس میزان انطباق این مؤلفه‌ها با حکومت اسلامی‌ای که پس از انقلاب ۵۷ در ایران تشکیل شد، سنجیده می‌شود تا مشخص شود که آیا انقلاب اسلامی توانست با اجرای عدالت در جامعه به عنوان یکی از مؤلفه‌های لازم سبب اعتلای تمدن اسلامی شود.

وجود حاکمان و حکمرانان عادل و متقی

امام علی (ع) در ارتباط با وجود حاکمان و مسئولان عادل و با تقوا در جامعه توجه زیادی مبذول داشته است. بدیهی است که در صورتی مسئولان هر جامعه افرادی عادل و عدالت‌خواه باشند و ابتدا این موضوع را در زندگی شخصی خود و بستگان-شان اعمال نمایند، اعتماد مردم به آنها جلب شده و به عنوان الگویی مفید مورد پیروی و احترام مردم در جامعه خواهند بود. حاکمان مسلمان باید عدالت را برای آحاد مردم در جامعه و بدون تبعیض بین اقشار مختلف اجرا نمایند. احقاق حق مظلوم از ظالم نیز از وظایف مهم یک حکمران اسلامی است که به شدت مورد تأکید امام علی (ع) بوده است. امام علی (ع) در نهج البلاغه هدف از قبول خلافت را احقاق حق مظلومان می‌داند. در این باره در روز دوم خلافت خود در سال ۳۵ هجری می‌فرماید:

«به خدا سوگند، بیت المال تاراج شده را هر کجا که بیابم به صاحبان اصلی آن باز می‌گردانم. گرچه با آن ازدواج کرده یا کنیزانی خریده باشند، زیرا در عدالت گشایش برای عموم است. آن کس که عدالت بر او گران آید، تحمل ستم بر او سخت تر است» [۹].

«به خدا سوگند، همین کفش بی ارزش نزد من از حکومت بر شما محبوب تر است، مگر اینکه حقی با آن به پا دارم و یا باطلی را دفع نمایم» [۱۰].

همان طوریکه از سخنان امام علی (ع) ملاحظه می‌شود، وجود حاکمان عادل که هدف اصلی آن احقاق حق مردم ستمدیده باشد، یکی از اصول برقراری عدالت در جامعه است. تعدادی از مهمترین ویژگی‌های حاکمان عادل از نظر امام علی (ع) که از خطبه‌ها و نامه‌های نهج البلاغه استخراج شده‌اند به شرح زیر می‌باشند:

دادن حق هر کسی از بیت‌المال، توانایی و اقتدار، زندگی کردن همسان با مردم ناتوان و تنگدست، دوری از فخر فروشی، ناپسند داشتن سخنان ستایش‌آمیز دیگران، انتخاب نکردن وزیران شرور، هم‌نشینی با تقوایبشگان، حسن ظن به مردم با نیکی کردن به آنها، دوری از سنت‌شکنی و بدعت‌گذاری، توجه به طبقات مختلف اجتماع و ادای حق هر یک از افراد جامعه و

بسیاری موارد دیگر که در این مجال نمی‌گنجد [۱۱].

با انطباق این ویژگی‌ها با زمامداران حکومت پهلوی دوم و حکومت اسلامی پس از آن، می‌توان به نقش پیروزی انقلاب اسلامی در تحقق عدالت اجتماعی و به دنبال آن احیای تمدن نوین اسلامی پی برد. محمدرضا شاه به هیچ وجه خصوصیات یک حاکم عادل را نداشت. وی فاقد توانایی و اقتدار برای اجرای عدالت بود لذا نمی‌توانست حق مردم را از بیت‌المال پرداخت کند و مقادیر بسیار بالایی از بیت‌المال نصیب نزدیکان وی و صاحب‌منصبان حکومتی می‌شد و در مقابل گروه‌های بسیاری از مردم طبقات پایین‌تر در فقر مطلق زندگی می‌کردند.

زندگی وی به هیچ‌وجه در سطح مردم عادی جامعه نبود و در حالی که بسیاری از مردم در حلبی‌آبادها و در شرایط بسیار نامساعد زندگی می‌کردند وی در کاخ‌های بسیار مجلل روزگار می‌گذراند و با این وضع فاقد توانایی برای درک طبقات پایین جامعه بود. وی بسیاری از سنت‌های حاکم بر جامعه را نادیده گرفت و در موارد فراوانی بدعت‌گذاری کرد مانند بدعتی که در تبدیل سال شمسی به شاهنشاهی در زمان وی انجام گرفت و اینگونه با اعتقادات مردم به مقابله برخاست.

نقطه مقابل تمام این اقدامات محمدرضا شاه، امام خمینی بود که می‌توان به وی لقب حاکمی عادل و متقی داد. ایشان دارای شخصیتی مقتدر بود که همواره از طبقات پایین جامعه و یا به گفته‌ی خودش مستضعفان حمایت کرده و زندگی بسیار ساده و در سطح پایین‌ترین اقشار جامعه داشت. امام خمینی با احترام به تمامی سنت‌ها و عقاید مردم ایران، معمار انقلابی اعتقادی بود که با سنت‌های مردم کاملاً سازگاری داشت. با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان به وضوح دریافت که امام خمینی شخصیت یک رهبر عادل را دارا بود در حالی که محمدرضا شاه نمی‌توانست حاکمی عادل به شمار رود.

نظارت بر اعمال و رفتار صاحب منصبان در جامعه

امام علی (ع) به عنوان امام و رهبر یک نظام سیاسی همواره بر اعمال و رفتار حاکمان منصوب خود نظارت داشت و نسبت به حیف و میل بیت‌المال و عدم برقراری عدالت در جامعه به شدت از خود عکس‌العمل نشان می‌داد و حکمرانان را مؤاخذه می‌کرد. بنابراین از نظر آن حضرت نظارت بر رفتار و عملکرد مسئولان حکومتی یکی از وظایف رهبران جامعه و از ابزارهای برقراری عدالت می‌باشد. در این باره در نهج البلاغه نامه‌های زیادی از جانب امام علی (ع) به حاکمان مرقوم شده است:

ایشان در نامه‌ای به زیاد ابن ابیه جانشین فرماندار بصره می‌نویسد:

«همانا من به راستی به خدا سوگند می‌خورم، اگر به من گزارش کنند که در اموال عمومی خیانت کردی، چنان بر تو سخت گیرم که قادر به تامین معاش عیال خود نیز نباشی» [۱۲].

امام علی (ع) در نامه‌ای به محمد ابوبکر فرماندار مصر می‌نویسد:

«با مردم فروتن باش. نرمخو و مهربان باش، گشاده رو و خندان باش. در نگاه‌هایت و در نیم‌نگاه و خیره شدن به مردم، به تساوی رفتار کن تا بزرگان در ستمکاری تو طمع نکنند، و ناتوان‌ها در عدالت تو مأیوس نگردند» [۱۳].

چنانکه در نامه‌های امام علی (ع) ملاحظه می‌شود، وجود حکمرانان عادل و با تقوا یکی از اصول برپایی عدل و عدالت در

جامعه می باشد و نظارت بر عملکرد آنان در ارتباط با لغزش های مادی و دنیوی و در صورت لزوم برکناری آنها به علت خیانت به بیت المال از جمله وظایف رهبر و پیشوای جامعه اسلامی می باشد.

بنابراین امام علی (ع) به عنوان مظهر عدالت خود بر عملکرد زبردستان و گماردگان خویش نظارت شدید داشت. لذا تمامی حکام عادل باید عملکرد مسئولین منتخب خود را کنترل کنند تا مبادا ظلمی متوجه مظلومی شده باشد. اطرافیان و نزدیکان محمدرضا شاه بهره های بسیاری از اموال بیت المال می بردند و ثروت های عظیمی را از کشور خارج می کردند. شاه با اینکه در سال های پایانی سلطنت تبدیل به حاکمی مطلق العنان شده بود اما بر رفتارهای اطرافیان خود که در سیاست هم دخالت داشتند، نظارتی نداشت. لذا ستم ها و بی عدالتی هایی که از این طریق بر مردم تحمیل می شد سبب نارضایتی آنها می گشت.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی نظارت بر افراد، سازمان ها و نهادها مد نظر مسئولین قرار گرفت و نهادهایی بدین منظور تاسیس شد. براساس قوانین نظام جمهوری اسلامی ایران، مجلس خبرگان که منتخب مردم است بر رهبر نظارت دارد، رهبر نیز ضمن نظارت کلان بر سه قوه از جهت هماهنگی آنها، نظارت دقیق تری بر قوه قضائیه، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت و سایر نهادهای تحت نظر رهبری اعمال می نماید [۱۴].

حقوق متقابل مردم و حاکمان (عدالت خواه) در جامعه

احقاق حق مظلومین در جامعه و حمایت مردم از مجریان برقراری عدل و عدالت یکی دیگر از شرایط برقراری عدالت در جامعه می باشد. بدیهی است که هرگاه جامعه از نظر فکری توان پذیرش حق و عدالت را نداشته باشد و رهبران عدالت خواه خود را در مقابل فاسقان پشتیبانی نکنند، اجرای عدالت در جامعه با شکست مواجه می شود.

در ارتباط با حقوق متقابل مردم و رهبران، امام علی (ع) در بخشی از خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه می فرماید:

«... و در میان حقوق الهی بزرگ ترین حق، حق رهبر بر مردم و حق مردم به رهبر است. مردم اصلاح نمی شوند مگر به اصلاح حاکمان و حاکمان اصلاح نمی شوند مگر به استقامت و پایداری مردم... و آنگاه که مردم حق رهبری را ادا کنند و زمامداران حق مردم را پردازند، حق در آن جامعه بین آنها عزت یابد و راه های دین پایدار و نشانه های عدالت برقرار و سنت (پیامبر) پایدار گردد، پس روزگار اصلاح شود و مردم در تداوم حکومت امیدوار و دشمن در آرزوهایش مأیوس می گردد. اما اگر مردم بر حکومت چیره شوند یا زمامدار بر مردم ستم کند، وحدت کلمه از بین می رود، نشانه های ستم آشکار و نیرنگ بازی در دین فراوان می گردد»

بنابراین از دیدگاه امام علی (ع) رعایت حقوق متقابل مردم و دولت امری واجب است. دولت ها وظیفه دارند در قلمرو اختیارات خویش شرایط رشد و تعالی و زمینه تکامل و توازن اجتماعی و دستیابی عادلانه هر کس به حق و حقوقش را فراهم سازند. مردم نیز وظیفه دارند به تعهدات خود در برابر زمامداران وفا کنند، کارهای جامعه را انجام دهند مسئولیت پذیر باشند و برای استواری جامعه از دولت ها و رهبران عدالت خواه حمایت نمایند.

همانطور که پیشتر هم گفته شد دولت پهلوی دوم توان برقراری عدالت در جامعه را نداشت که یکی از دلایل آن متقی

نبودن و عدم عدالت شاه بود. بنابراین این حکومت توان ایجاد زمینه به منظور دستیابی افراد به حق و حقوقشان را نداشت. بنابراین مردم نیز حقی برای حکومت قایل نبودند لذا به براندازی آن مبادرت ورزیدند. در مقابل پس از پیروزی انقلاب اسلامی مردم به علت پذیرش حکومت و اعتقاد به آن همواره خود را نسبت به آن مسئول دانسته و در صحنه‌های مختلف از جمله انتخابات‌ها، راهپیمایی‌ها و هر جای دیگری که نیاز به حضور مردم برای تأیید نظام جمهوری اسلامی وجود داشته است، نقش فعالی ایفا کرده‌اند.

لزوم ساده زیستی حاکمان اسلامی

امام علی (ع) از اشرافیت و زندگی تجملی بیزار است و در جامعه اسلامی که افرادی فقیر دارد، ساده زیستی را از جمله وظایف حاکمان اسلامی می‌داند. در نهج البلاغه این موضوع به حاکمان و فرمانداران توصیه شده است:

به عنوان نمونه امام علی (ع) در نامه ۴۵ نهج البلاغه عثمان بن حنیف انصاری، فرماندار بصره را از اینکه به میهمانی اشراف و ثروتمندان بصره شرکت کرده و در آن غذاهای رنگارنگ و تجملی وجود داشته، مورد سرزنش قرار می‌دهد و به وی توصیه می‌کند که غذاهایی که حلال و حرام بودنش را نمی‌داند، دور بيفکنند و آنچه را به پاکیزگی و حلال بودنش یقین دارد، مصرف نماید.

بنابراین ساده زیستی حاکمان اسلامی و اطلاع از زندگی افراد کم درآمد و فقیر نیز یکی از خصوصیات رهبران و مسئولان عادل در جامعه می‌باشد و امام علی (ع) رعایت آن را واجب می‌داند و معتقد است که ساده زیستی حاکمان اسلامی زمینه را برای اجرای عدالت و اقامه آن در جامعه اسلامی فراهم می‌آورد.

سیری در تاریخ پهلوی به خصوص دوران پادشاهی محمدرضا شاه نشان می‌دهد که سطح زندگی شاه مملکت با مردم عادی قابل قیاس نبود و ساده‌زیستی هیچ جایگاهی در زندگی خانواده‌ی پهلوی نداشت. در نقطه‌ی مقابل زندگی امام خمینی (ره) کاملاً ساده و در حد مردم عادی شکل گرفته بود.

با معرفی زمینه‌ها و پیش‌نیازهای اجرای عدالت به عنوان یکی از مولفه‌های احیای تمدن نوین اسلامی در جامعه و با مطابقتی که با وضعیت روسای حکومت قبل و بعد از انقلاب ذکر گردید، مشخص است که پیروزی انقلاب اسلامی سبب اقامه‌ی عدالت در جامعه ایران شد و به گونه‌ای به اعتلای تمدن اسلامی یاری بخشید.

انقلاب اسلامی و برقراری اتحاد

انقلاب اسلامی ایران با پیروزی بر رژیم پهلوی یکی از پایه‌های مهم سیاست داخلی خود را بر وحدت اسلامی قرار داد. تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و هنگام زمامداری رژیم پهلوی تلاش در جهت ایجاد اتحاد میان گروه‌های مختلف مردمی به خصوص اتحاد میان شیعه و سنی انجام نمی‌شد. موقعیت‌های جغرافیایی محل سکونت هموطنان اهل تسنن نیز مزید بر علت شده بود که آنان به مراتب محرومیت‌های بیشتر از سایر مردم را تحمل نمایند. آن‌ها در محرومیت‌های گوناگون فرهنگی،

آموزشی، بهداشتی و اقتصادی به سر می‌بردند و هیچ‌گونه مشارکتی در امور مملکتی و حکومتی نداشتند. پیروزی انقلاب اسلامی و توجه خاص به اتحاد شیعه و سنی و واگذاری برخی مناصب مهم حکومتی به برادران اهل سنت سبب آن شد که روز به روز این دو گروه به هم نزدیک‌تر شده و زمینه‌ی اتحاد آن‌ها فراهم‌آید و گامی در جهت احیای تمدن ره به افول اسلامی برداشته شود. در ادامه به تعدادی از مهمترین اقدامات نظام جمهوری اسلامی پس از پیروزی انقلاب، برای رسیدن به وحدت اسلامی اشاره می‌شود.

احترام به حقوق و عقاید فرقه‌های اهل سنت

زمانی که قانون اساسی جمهوری اسلامی از سوی فقیهان و حقوقدانان بررسی و تدوین می‌شد، یکی از مسائل بسیار مهمی که در گذشته به آن توجه نشده بود، یعنی به رسمیت شناختن مذاهب چهارگانه‌ی اهل سنت، مورد توجه قرار گرفت. مذهب رسمی کشور در قانون اساسی شیعه اثنی‌عشری است. اما سایر مذاهب اهل سنت نیز از آزادی رای و عقیده و انجام فرایض دینی خود بهره‌مند شدند. از دیگر امتیازاتی که اهل سنت پس از انقلاب بدست آوردند، حق انتخاب نماینده در مجلس شورای اسلامی بود. سایر اقدامات جمهوری اسلامی در این زمینه احترام به حقوق و عقاید اهل سنت در مورد اجرای حدود و قوانین شرعی، طبق عقاید و اصول مذهب آن‌ها بود که این خود گامی بزرگ در جهت تفاهم و تقریب مذاهب اسلامی به شمار می‌رود. همچنین امکان برگزاری نماز جمعه به امامت امامان اهل سنت، پس از انقلاب برای این اقلیت‌ها فراهم شد و احداث مساجد مخصوص به این فرقه‌ها میسر گشت [۱۵].

برگزاری مراسم هفته وحدت

از ابتکارها و مساعی جمهوری اسلامی ایران جهت گستراندن تفکر اتحاد مسلمانان، برگزاری مراسم هفته وحدت است. با متصل کردن دو تاریخ ۱۲ ربیع‌الاول و ۱۷ ربیع‌الاول به یکدیگر و برگزاری مجالس و محافل متعدد جشن، جماعت شیعه و سنی در آن مراسم‌ها شرکت می‌کنند و با حضور در کنار یکدیگر همبستگی‌شان را به نمایش می‌گذارند.

ایجاد امکانات آموزشی، رفاهی و بهداشتی

در زمان حکومت پهلوی بسیاری از مناطق کشور در محرومیت‌های متعدد آموزشی، رفاهی و بهداشتی به سر می‌بردند که مناطق سنی‌نشین نیز مشمول این محرومیت‌ها بودند. پس از پیروزی انقلاب تلاش شد محرومیت‌زدایی از تمامی نقاط کشور به خصوص از مناطق بسیار محروم سنی‌نشین کشور انجام گیرد و پیشرفت‌های بسیار خوبی حاصل گردید و راه‌های ارتباطی، بیمارستان‌ها، مدارس و سایر امکانات رفاهی به منظور خدمات‌رسانی به برادران اهل سنت ایجاد گردید. اهمیتی که حکومت جمهوری اسلامی به ارتقای سطح زندگی اقلیت سنی در کشور قایل شد سبب اتحاد و همبستگی بیشتر میان شیعه و سنی گردید.

مبارزه با تبلیغات تفرقه‌افکن و آرامش‌زدا

تبلیغات سوء دشمنان به منظور تفرقه‌انگیزی میان شیعه و سنی و همین‌طور انجام فعالیت‌های تخریبی مانند ترور و بمب‌گذاری

در اوایل انقلاب اسلامی جوی از ناامنی و ناآرامی در کشور و به خصوص در مناطق سنی‌نشین کشور ایجاد کرده بود. اما با گذشت مدت محدودی از پیروزی انقلاب با تلاش‌های سرسختانه نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی توطئه‌های دشمن خنثی گردید و آرامش بر همه‌ی نقاط کشور حکمفرما شد و تا به امروز دشمن نتوانسته است اختلافات شیعه و سنی را دستاویز خود قرار دهد و وحدت مردمی را از بین ببرد [۱۶].

حکومت اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب در سال ۵۷ جهت تحقق وحدت و تفاهم میان مذاهب اسلامی موجود در کشور به عنوان یکی از مولفه‌های اعتلای تمدن اسلامی فعالیت‌های گسترده‌ای انجام داده است و تا کنون موفقیت‌های چشمگیری هم کسب نموده است.

انقلاب اسلامی و اجرای امر به معروف و نهی از منکر

یکی از مهمترین عوامل احیای تمدن اسلامی اجرای امر به معروف و نهی از منکر در جامعه است. نظارت اجتماعی که در فقه اسلامی با عنوان امر به معروف و نهی از منکر شناخته می‌شود به عنوان ضامن بقای اسلام و واجبی است که به سبب آن، اجرای همه‌ی واجبات صورت می‌پذیرد. امر به معروف و نهی از منکر در ظهور، استمرار و عدم فروپاشی جوامع و تمدن‌ها موثر است و ضامن بقای اسلام به عنوان تمدنی فراگیر می‌باشد. پس از پیروزی انقلاب و در اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی توجه ویژه‌ای به این فریضه‌ی الهی شده است و دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه‌ای همگانی و متقابل بر عهده‌ی مردم بر یکدیگر، دولت در برابر مردم و مردم در برابر دولت است. در ادامه به برخی از مهمترین تأثیرات اجرای این فرایض در جامعه اشاره می‌گردد که سبب احیای تمدن اسلامی می‌گردند.

احیای ارزش‌ها

نظارت اجتماعی فعال و مستمر، نه تنها از کمرنگ شدن ارزش‌ها در جامعه پیشگیری می‌کند، بلکه زمینه گسترش همه‌جانبه آن را فراهم می‌سازد [۱۷]. روایت‌های اهل بیت شاهد این امر است. حضرت علی (ع) در این باره می‌فرماید: «آن‌گاه که این فریضه ادا و به پا داشته شود، تمامی واجبات آسان و سخت، برپا خواهد شد». همچنین امام باقر (ع) امر به معروف و نهی از منکر را فریضه یزرگی معرفی می‌کند که به وسیله آن، دیگر فریضه‌ها برپا می‌شود [۱۹].

عدالت اجتماعی

نظارت عمومی بر حسن اجرای احکام اسلام، زمینه فراگیری عدالت اجتماعی را فراهم می‌سازد، چرا که با نظارت جدی و همگانی، ثروت در جامعه تعدیل و زندگی عادلانه برای قشرهای مختلف جامعه تامین می‌گردد [۲۰].

اقتدار جامعه

شکل‌گیری خودجوش گروه‌هایی در میان مسلمانان برای اجرای امر به معروف و نهی از منکر زمینه‌ساز وحدت و همدلی است که یکی از ثمره‌های آن، اقتدار و عزت جامعه اسلامی خواهد بود. امیرالمومنین علی (ع) امر به معروف را تقویت‌کننده مومن و ناهی از منکر را مانند کسی می‌داند که بینی کافر را به خاک مالیده است [۲۱].

برقراری امنیت

امنیت درونی و بیرونی دو بعد برقراری امنیت در جامعه است. هر جامعه در امر پویایی خود، نیاز به آرامش و امنیت در حوزه‌های اعتقادی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی دارد. مهمترین راه تامین امنیت در جامعه اسلامی، اجرای صحیح و مستمر امر به معروف و نهی از منکر است. زیرا در پرتو اندیشه‌های صحیح اسلامی، فرهنگ و اعتقادات مردم از انحرافات در امان می‌ماند و دست چپاول‌گران از بیت‌المال کوتاه خواهد شد و در نتیجه امنیت اقتصادی برقرار می‌گردد. همچنین مرزهای کشورهای اسلامی حفظ خواهد شد.

آبادانی و سازندگی

هنگامی که نظارت اجتماعی و امر به معروف و نهی از منکر در جامعه صورت گیرد، آبادانی، یکی از نتایج آن خواهد بود. هنگامی که افراد، سازمان‌ها و گروه‌های مختلف نظارت را بر اعمال و رفتارهای خود در جامعه احساس کنند به منظور انجام بهتر وظایف و نقش‌های خود تلاش بیشتری را به کار می‌گیرند. بنابراین سازندگی و آبادانی کشور یکی از نتایج اجرای درست نظارت اجتماعی می‌باشد.

در دوره‌ی حکومت پهلوی به بهانه‌ی اعطای آزادی به مردم که ناشی از نفوذ اندیشه‌های لیبرالی و برخاسته از غرب بود، عملاً امر به معروف و نهی از منکر تعطیل گشته بود. بنابراین با پیروزی انقلاب و احیای این فریضه‌ی الهی تمدن در جامعه‌ی اسلامی ایران ارتقا و اعتلا یافت.

انقلاب اسلامی و رعایت اخلاق

عامل دیگری که از آن تحت عنوان یکی از عوامل اعتلا نام برده شد، رعایت اخلاق بود. بررسی این عامل در دو نظام حکومتی مورد نظر یعنی حکومت پهلوی و جمهوری اسلامی به خوبی می‌تواند در جهت نیل به هدف مددکار باشد. دستگاه پهلوی هر روز بیشتر غرق در مفاسد اخلاقی و اقتصادی می‌گردید و همزمان به سمت سقوط و سرنگونی پیش می‌رفت. خاصه‌بخشی و فساد یکی از ویژگی‌های بارز رژیم پهلوی بود که خود از پیامدهای کاهش میزان نهادمندی سیاسی و اجتماعی به شمار می‌رفت. در واقع شبکه‌ی خاصه‌بخشی یکی از کانال‌ها و ابزار موثر در اختیار شاه بود و او را قادر می‌ساخت تا به طور گسترده‌ای امتیازات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برای هوادارانش در نظر بگیرد و از این طریق به جلب همکاری و

یارگیری اقدام کند [۲۲].

قسمت اعظم پرداخت‌های شاه در شبکه خاصه‌بخشی متوجه وابستگان نزدیک و خانواده سلطنتی می‌شد. به گونه‌ای که دربار پهلوی در این دوران بزرگترین منبع درآمد و ثروت را در اختیار داشت. به طور کلی درآمد دربار از چهار منبع تامین می‌شد: ۱- ثروت ناشی از مالکیت زمین ۲- درآمدهای نفت ۳- تجارت ۴- بنیاد پهلوی که بسیاری از فعالیت‌های خدماتی و کشت و صنعت و بانک‌ها را در اختیار داشت. این بنیاد از سه طریق به نفع شاه و سلطنت او عمل می‌کرد: ۱- به صورت منبعی برای دریافت‌های خانواده سلطنتی ۲- به صورت ابزاری در کاربرد نفوذ بر بخش‌های کلیدی اقتصادی ۳- به صورت مجرای برای جهت دادن حمایت‌ها نسبت به رژیم [۲۳].

علاوه بر خانواده سلطنتی بخش عمده این پرداخت‌ها متوجه اعضای طبقه بالا بود که بیشتر از طریق معاملات تجاری و مقاطعه کاری‌های گرانقیمت صورت می‌گرفت. همچنین شاه از طریق توزیع مناصب سیاسی و اداری که متضمن موقعیت و مزایایی برای صاحبان آن‌ها بود به جلب همکاری اعضای طبقه بالا اقدام کرد.

مجموعه‌ی این روابط غیر رسمی و توزیع مزایا و امتیازات در شبکه‌ی خاصه‌بخشی به جو فساد مالی و اخلاقی در بافت هیئت حاکمه و وابستگان آن دامن می‌زد. این وضعیت بویژه پس از افزایش قیمت نفت در دهه‌ی ۱۳۵۰ به نحو وسیعی گسترش یافت و حتی به سطوح مختلف دستگاه دیوان‌سالاری و نظامی نیز نفوذ کرد [۲۴].

علاوه بر مفاصد اقتصادی که نام برده شد، رژیم پهلوی غرق در انواع مفاصد اخلاقی نیز بود. این مفاصد اغلب به دلیل الگوبرداری از غرب و تمایل به برقراری آزادی‌های بی‌حد و حصر شیوع پیدا کرده بود و خانواده پهلوی خود از پیشگامان ارتکاب اقدامات غیراخلاقی بودند.

مبارزه با فساد یکی از شعارهای مهم انقلاب اسلامی بود. از جمله اقدامات موثر بعد از انقلاب اسلامی در مبارزه با فساد، تغییر در نخبگان و سیستم‌هایی بود که در دوران پهلوی نظارت خاصی بر آنها وجود نداشت. همینطور گسترش نهادهای نظارتی در دستگاه‌های دولتی و اصلاح قوانین حاکم نیز از دیگر اقدامات به منظور مبارزه با مفاصد بودند. البته قبل از انقلاب هم در دولت‌های بختیار و شریف امامی اقداماتی علیه فساد شکل گرفت، اما سطحی بود و از روی اراده انجام نگرفت و دلیل انجام این اقدامات از بین رفتن مشروعیت نظام بود و به نوعی عوام‌فریبی محسوب می‌گردد.

نتیجه‌گیری

هدف این مقاله شناخت نقش و کارکرد انقلاب اسلامی ایران در فرآیند تحقق تمدن نوین اسلامی بود. انقلاب اسلامی در حالی پیروز شد که مردم مسلمان ایران سال‌ها تحت سیطره‌ی حکومت‌های مستبد شاهنشاهی زیسته بودند و از اسلام جز نامی باقی نمانده بود. امام خمینی (ره) رهبر انقلاب اسلامی با درک کامل از شرایط موجود بر کشور نقش سازنده و معمار انقلاب را بر عهده گرفتند و مردم را هدایت کرده و با یاری آن‌ها توانست بر حکومت طاغوتی پهلوی فایق آمد. پس از انقلاب، اسلام در همه‌ی مسائل وارد شد و حکومتی بر پایه‌ی اسلام در کشور شکل گرفت. این حکومت تمامی

قوانین، اصول و هر آنچه که بر پایه‌ای غیر از اسلام بنا شده بود، ویران کرد و تمدن نوین اسلامی را محقق نمود. عواملی که عامل انحطاط تمدن اسلامی در جامعه بودند یعنی بی‌عدالتی، ترک امر به معروف و نهی از منکر، فقدان اتحاد و فسق و فجور بعد از پیروزی انقلاب تا حد بسیار زیادی کاهش یافت و زمینه برای رشد تمدن اسلامی پس از سال‌ها فراهم گشت. تلاش جمهوری اسلامی در اجرای عدالت، امر به معروف و نهی از منکر، ایجاد وحدت و مبارزه با فساد که از زمان پیروزی انقلاب اسلامی آغاز گردیده همچنان ادامه دارد و این مسئله سبب ارتقا تمدن اسلامی و دستیابی آن به جایگاه‌های والاتر در میان سایر تمدن‌ها می‌شود.

منابع

۱. مستودارد، لوتروپ (۱۳۲۰). امروز با مسلمین یا علم نو اسلام. جلد اول. ترجمه سید احمد مهذب. تهران: طبع کتاب. صص ۱۲۸.
۲. جهان‌بین، فرزاد و معینی‌پور، مسعود (۱۳۹۳). فرآیند تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای. فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی. سال یازدهم، شماره ۳۹. صص ۱۳۱.
۳. ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی، تهران: کیهان. صص ۹۵.
۴. جعفری، محمدتقی (۱۳۶۲). ترجمه و تفسیر نهج البلاغه. جلد پنجم. تهران: فرهنگ اسلامی. صص ۱۶۱.
۵. طباطبایی، سید محمد حسین (بی‌تا). تفسیر المیزان. قم: موسسه النشر الاسلامی. صص ۳۳.
۶. سعیدی روشن، محمدباقر (۱۳۹۳). شاخص‌های تمدن اسلامی بر اساس آموزه‌های قرآن کریم. نشریه آموزه‌های قرآنی، شماره ۱۹. بهار و تابستان ۱۳۹۳. صص ۶۴.
۷. جعفری، محمدتقی (۱۳۶۲). ترجمه و تفسیر نهج البلاغه. جلد پنجم. تهران: فرهنگ اسلامی. صص ۳۰۰.
۸. سعیدی روشن، محمدباقر (۱۳۹۳). شاخص‌های تمدن اسلامی بر اساس آموزه‌های قرآن کریم. نشریه آموزه‌های قرآنی، شماره ۱۹. بهار و تابستان ۱۳۹۳. صص ۷۶.
۹. نهج البلاغه (۱۳۸۴). ترجمه محمد دشتی. قم: امامت. خطبه ۱۵. صص ۵۹.
۱۰. نهج البلاغه (۱۳۸۴). ترجمه محمد دشتی. قم: امامت. خطبه ۳۳. صص ۸۵.
۱۱. ریاحی‌زمین، زهرا (۱۳۸۳). عدالت از دیدگاه امام علی (ع). مجله علوم حدیث. شماره ۳۱. صص ۴۸.
۱۲. نهج البلاغه (۱۳۸۴). ترجمه محمد دشتی. قم: امامت. نامه ۲۰. صص ۴۹۹.
۱۳. نهج البلاغه (۱۳۸۴). ترجمه محمد دشتی. قم: امامت. نامه ۲۷. صص ۵۰۹.
۱۴. علیخانی، علی‌اکبر (۱۳۸۳). نظارت در نظام جمهوری اسلامی ایران. مجله دین و ارتباطات، شماره ۲۳. صص ۱۵۹.
۱۵. بزرگی، سید مهدی (۱۳۸۴). نقش انقلاب اسلامی در بیداری و وحدت مسلمانان. فصلنامه اندیشه تقریب. شماره ۵. صص ۴۱.
۱۶. بزرگی، سید مهدی (۱۳۸۴). نقش انقلاب اسلامی در بیداری و وحدت مسلمانان. فصلنامه اندیشه تقریب. شماره ۵. صص ۴۲.
۱۷. ایروانی، جواد و حق‌پناه، رضا و وطن‌دوست، رضا و کمیلی، غلامحسین (۱۳۸۸). فرهنگ روابط اجتماعی در آموزه‌های اسلامی، جلد دوم، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی. صص ۱۹۷.
۱۸. برادران، محمد و موسوی شوشتری، محمدرضا (۱۳۹۳). بایسته‌های تمدنی سبک زندگی اسلامی از دیدگاه اهل بیت: بررسی موردی جایگاه نظارت اجتماعی، فصلنامه تاریخ اسلام، سال پانزدهم، شماره دوم. صص ۲۳۳.
۱۹. ایروانی، جواد و حق‌پناه، رضا و وطن‌دوست، رضا و کمیلی، غلامحسین (۱۳۸۸). فرهنگ روابط اجتماعی در آموزه‌های اسلامی، جلد دوم، مشهد:

دانشگاه علوم اسلامی رضوی. صص ۱۹۸.

۲۰. برادران، محمد و موسوی شوشتری، محمدرضا (۱۳۹۳). بایسته‌های تمدنی سبک زندگی اسلامی از دیدگاه اهل بیت: بررسی موردی جایگاه نظارت اجتماعی، فصلنامه تاریخ اسلام، سال پانزدهم، شماره دوم. صص ۲۶۴.
۲۱. نوروزی، نصراله (۱۳۷۵). ساخت قدرت شخصی و فروپاشی حکومت پهلوی. مجله راهبرد، شماره ۹. صص ۱۸۵.
۲۲. آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۴). ایران بین دو انقلاب. تهران: نشر نی. صص ۵۵۸-۵۵۶.
۲۳. آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۴). ایران بین دو انقلاب. تهران: نشر نی. صص ۵۵۹.